



Spouse Emotional and Psychological Abuse Caused by the Continuation of Unwanted Marriage, Examples and Bases of its Prohibition from the Perspective of Imami Jurisprudence Abstract

Zeynab Fadaee¹, Fakhrullah Mollae Kandeloo^{1*}, Parviz Zokaeeyan¹

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The term wife abuse, contrary to the fact that it is used in the public's mind as the husband's harassment against the wife; it is also used as the wife's harassment against the husband. Spousal abuse as a result of unwanted marriage is one of the types of spousal abuse that can be imagined by any couple. The present research aims to explain the emotional and psychological abuse of the spouse caused by the continuation of unwanted marriage and the examples and bases of its prohibition from the perspective of Imami jurisprudence.

Methods: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Mental and emotional spousal abuse, as the most important phenomenon of unwanted marriage, occurs in different ways by each husband and wife.

Conclusion: Verses from the Quran, including verse 6 of Surah Talaq and 19 of Surah Nisa, implying commitment, indicate the prohibition of mental and emotional abuse of spouses, on the other hand, mental and emotional abuse of each spouse towards the other, often with There is a kind of difficulty and embarrassment and the introduction of harm, which is based on the rules of negation of difficulty and embarrassment, associating with the famous and harmless is prohibited.

Keywords: Spousal Abuse; Unwanted Marriage; Imami Jurisprudence

Corresponding Author: Fakhrullah Mollae Kandeloo; **Email:** Kandeloos.fmk@gmail.com

Received: July 03, 2023; **Accepted:** September 11, 2023; **Published Online:** October 30, 2023

Please cite this article as:

Fadaee Z, Mollae Kandeloo F, Zokaeeyan P. Spouse Emotional and Psychological Abuse Caused by the Continuation of Unwanted Marriage, Examples and Bases of its Prohibition from the Perspective of Imami Jurisprudence Abstract. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e43.



همسر آزاری روحی و روانی ناشی از تداوم زوجیت ناخواسته، مصادیق و مبانی ممنوعیت آن از منظر فقه امامیه

زینب فدایی^۱ ID، فخرالله ملائی کندلوس^{۱*} ID، پرویز ذکائیان^۱

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: واژه همسرآزاری، برخلاف اینکه در اذهان عموم به عنوان آزار و اذیت شوهر علیه زن به کار می‌رود، به صورت آزار زن علیه شوهر نیز موضوعیت می‌یابد. همسرآزاری روحی و روانی در نتیجه زوجیت ناخواسته، از گونه‌های همسرآزاری است که از سوی هر یک از زوجین، قابل تصور می‌باشد. پژوهش حاضر، با هدف تبیین همسرآزاری روحی و روانی ناشی از تداوم زوجیت ناخواسته و مصادیق و مبانی ممنوعیت آن از منظر فقه امامیه، به بررسی و تحلیل می‌پردازد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: همسرآزاری روحی و روانی، به عنوان مهم‌ترین پدیده زوجیت ناخواسته، به اشکال مختلفی از سوی هر یک از زن و شوهر واقع می‌گردد.

نتیجه‌گیری: آیاتی از قرآن، از جمله آیه ۶ سوره طلاق و ۱۹ سوره نساء به دلالت التزامی، دال بر ممنوعیت همسرآزاری روحی و روانی می‌باشد، از سوی دیگر، آزار روحی و روانی هر یک از زوجین نسبت به دیگری، غالباً با نوعی عسر و حرج و ورود ضرر همراه است که مستند به قواعد نفی عسر و حرج، معاشرت به معروف و لاضرر، ممنوع می‌باشد.

واژگان کلیدی: همسرآزاری روحی و روانی؛ زوجیت ناخواسته؛ فقه امامیه

نویسنده مسئول: فخرالله ملائی کندلوس؛ پست الکترونیک: Kandeloos.fmk@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fadaee Z, Mollae Kandelos F, Zokaeyan P. Spouse Emotional and Psychological Abuse Caused by the Continuation of Unwanted Marriage, Examples and Bases of its Prohibition from the Perspective of Imami Jurisprudence Abstract. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e43.

مقدمه

همسرآزاری یا خشونت خانوادگی در مورد زنان در اشکال مختلف جسمی و روانی دارای عمری به قدمت تاریخ بشری است واقعیتی تلخ و انکارناپذیر که زندگی و کرامت انسانی زنان را خدشه‌دار و صدمات غیر قابل جبرانی به آنان وارد می‌کند (۱). پدیده خشونت خانوادگی علیه زنان ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی تلقی می‌شود و در تمامی کشورهای دنیا توسعه یافته و در حال توسعه و در همه طبقات اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های سنی و شغلی متفاوت به چشم می‌خورد (۲). خشونت خانوادگی دارای عواقب جسمانی غیر کشنده مثل جراحت، از بریدگی تا شکستگی و آسیب ارگان‌های داخلی و عواقب روانی مثل افسردگی، ترس، اضطراب، مشکلات تغذیه‌ای، اختلالات جنسی، وسواس و اختلال در عملکرد اجتماعی است (۳).

به طور متوسط قربانیان خشونت از سوی همسر، مراجعه به پزشکان، بستری شدن در بیمارستان و اعمال جراحی را در طی زندگی خود بیشتر از دیگران تجربه می‌کنند. همچنین خشونت همسر می‌تواند بر امکان اشتغال میزان درآمد عملکرد اجتماعی و توان زنان در حفظ شغل خود تأثیر بگذارد (۴). هر کدام از محققان عوامل مختلفی را برای بروز این پدیده اعلام کرده‌اند. بی‌تردید زوجیت ناخواسته، عاملی است که می‌تواند با تبعات زینب‌باری، از جمله همسرآزاری همراه باشد، چه اینکه وقتی نسبت به ازدواج رضایت تام وجود نداشته باشد، این نارضایتی خودش را به اشکال مختلفی، از جمله آزار و اذیت طرف مقابل نشان می‌دهد، همان‌گونه که همسرآزاری در خصوص اذیت و آزار زن به وسیله مرد مصداق دارد، در مورد آزار و اذیت مرد به وسیله زن نیز قابل تصور است، کما اینکه مصداق شایع همسرآزاری، به همان شکل نخست، یعنی آزرده شدن زن به وسیله مرد می‌باشد. نظر به مبتلابودن این مسأله در زندگی زناشویی، این پژوهش در تلاش است تا با پرداختن به بحث از همسرآزاری روحی و روانی ناشی از تداوم زوجیت ناخواسته، مصادیق زوجیت ناخواسته را مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ دهد که در فقه امامیه، نسبت به

ممنوعیت پدیده همسرآزاری، چه مبانی وجود دارد؟ طبیعتاً پاسخ به این سؤال، به شفاف‌سازی هرچه بیشتر موضوع زوجیت ناخواسته می‌انجامد و در این زمینه راهگشا خواهد بود. به همین منظور، در ادامه ابتدائاً مصادیق زوجیت ناخواسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

همسرآزاری روحی و روانی، به عنوان مهم‌ترین پدیده زوجیت ناخواسته، به اشکال مختلفی از سوی هر یک از زن و شوهر واقع می‌گردد.

بحث

۱. مصادیق زوجیت ناخواسته: تردیدی نیست که زوجیت ناخواسته، سازگاری زن و شوهر را دشوار می‌کند و میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. همین امور زمینه‌هایی برای بروز خشونت به شمار می‌آیند. در مجموع می‌توان ازدواج ناخواسته را در برخی موارد از علل عدم علاقه زن به شوهر و یا بالعکس و بروز خشونت خانگی تلقی کرد (۵). زوجیت ناخواسته علاوه بر اینکه قبل از ازدواج می‌تواند قابل تصور باشد، ممکن است که بعد از ازدواج نیز محقق گردد، بدین صورت که در هر یک از زوجین نسبت به دیگری کراهت ایجاد شود و بنا به هر دلیل، به ادامه زندگی مجبور باشند. در ادامه به شماری از مصادیق زوجیت ناخواسته اشاره می‌گردد:

آنجایی که ماده مذکور، فقط مسکن و پوشاک و خوراک و اثاث خانه و خدمتگزار را مورد حکم قرار داده بود و نسبت به سایر چیزهایی که صرفاً مورد استفاده زن قرار می‌گیرد، مانند هزینه دارو و درمان و آرایش سکوت کرده، با اصلاح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نگاه همه‌جانبه به همه مواردی که به صورت متعارف مورد احتیاج زن است عطف شده و تمامی نیازهای متعارف با وضعیت زن، اعم از مسکن، غذا، البسه، هزینه‌های درمانی و بهداشتی، اثاث منزل و خادم را مشمول عنوان نفقه دانسته است، البته در خصوص شمول نفقه به خادم‌داشتن، همان شرطی که پیش از این ذکر شد را مد نظر قرار داده، یعنی در صورت عادت با احتیاج زن و یا به واسطه مرض و یا نقصان وی، خادم‌داشتن را به عنوان نفقه زن لحاظ نموده است. اگر زن، متأثر از زوجیت ناخواسته، در حالتی قرار گیرد که از جهت تأمین هر یک از موارد مصرح در ماده مزبور در مضیقه قرار گیرد، این امر، محقق همسرآزاری روحی و روانی به شکل مادی خواهد بود.

۲-۲. همسرآزاری معنوی: این قسم از همسرآزاری در دو حیظه آزار زن به وسیله شوهر و آزار شوهر به وسیله زن قابل بحث است، در ابتدا در جهت تبیین هرچه بیشتر موضوع، جنبه اول، یعنی آنجایی که زن از سوی شوهر مورد آزار قرار می‌گیرد، بحث می‌شود و در ادامه، بحث از آزار شوهر به وسیله زن مطرح می‌گردد.

۲-۲-۱. آزار رساندن شوهر نسبت به زن: تحقیر شخصیت، چهره و یا شرایط جسمانی زن، ابراز تنفر نسبت به بستگان وی، منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به صورت تلفنی، از قبیل آزارهایی هستند که می‌توانند تحت عنوان همسرآزاری معنوی مطرح گردند که از پیامدهای روحی و روانی برخوردار خواهند بود. با امعان نظر به تبصره ۱ از ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. در موارد همسرآزاری به این شکل، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم، به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در

۱- زوجیت ناخواسته ناشی از رواج فرهنگ بستن عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها؛ ۲- بالا رفتن سن دختران و تن‌دادن به زوجیت ناخواسته؛ ۳- تن‌دادن به ازدواج به دلیل قراردادن زن یا مرد در مضیقه که این امر خود دارای مصادیق متعددی است، مثل جایی که هر یک از طرفین برای تأمین بدهی و یا ورشکستگی خود، به ازدواج با فردی تن دهند که در سطح مناسبی از وضعیت مالی برخوردار است؛ ۴- ازدواج زودهنگام نیز می‌تواند به عنوان مصادیقی از زوجیت ناخواسته مطرح گردد که البته این مورد، شاید قبل از ازدواج متصور نباشد، اما در مواردی پس از ازدواج، زمینه‌ساز زوجیت ناخواسته خواهد بود. سازمان ملل در تعریف ازدواج زودهنگام بیان می‌کند: «ازدواج زودهنگام عبارت است از هر ازدواجی که در سنین زیر ۱۸ سالگی صورت گرفته، در صورتی که دختر از لحاظ جسمی، فیزیولوژیکی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری آماده نیست.» نظر به مصادیق یادشده، همسرآزاری روحی و روانی به عنوان مهم‌ترین اثر زوجیت ناخواسته، به اشکال مختلفی بروز می‌کند و به عبارتی می‌توان گفت که این حالت، واکنش و نوعی ابراز ناراضیتی از زوجیت ناخواسته است که البته بیشتر در جایی شدت می‌یابد که امکان جدایی و طلاق بین زوجین به هر علتی، مثل ناتوانی شوهر از پرداخت مهریه و امثال آن فراهم نباشد. همسرآزاری روحی و روانی، به اشکال متعددی محقق می‌گردد که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۲. اشکال همسرآزاری روحی و روانی

۲-۱. همسرآزاری مادی: با امعان نظر به اینکه غالباً تأمین مخارج زن بر عهده شوهر می‌باشد، این قسم از همسرآزاری زمانی اتفاق می‌افتد که مثلاً شوهر نسبت به زن از جهت معیشت و تأمین نفقه وی سخت‌گیری نماید. نفقه بر اساس مضمون ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، اعم از مسکن، البسه، غذا و اثاث‌البیتی است که با وضعیت زن، متعارف و متناسب باشد و همینطور در صورتی که زن، به هر علتی، چه از روی احتیاج، یا به واسطه مرض و یا نقصان اعضا، به داشتن خادم عادت داشته باشد، داشتن خادم نیز جزء نفقه محسوب می‌شود. از

۲۰۱۷، پارلمان سوئد، رابطه جنسی بدون کسب رضایت حتی اگر بدون تهدید یا استفاده از زور باشد، تجاوز محسوب می‌شود. نتیجه آنکه قربانی تجاوز لازم نیست ثابت کند که مجبور به برقراری رابطه شده، بلکه مرد باید ثابت کند رابطه با رضایت بوده است. بریتانیا و آلمان هم پیش‌تر قانون مشابهی را تصویب کرده بودند (۸). فراوانی انواع مختلف همسرآزاری نشان می‌دهد که آزارهای روانی بیش از آزارهای جسمانی در میان زنان مورد مطالعه تجربه شده است، به طوری که بیش از ۶۰ درصد از زنان کم‌محلی و بیش از ۳۰ درصد نیز تحقیر و سرزنش را عنوان کرده‌اند. علاوه بر این اجازه‌نداشتن زنان برای خروج از منزل و به طور طبیعی ممانعت از اشتغال، زمینه آسیب‌پذیری زنان را افزایش داده است. آزار کودکان به عنوان حربه‌ای برای تنبیه مادران از نکات مورد توجه است. بر اساس یافته‌های تحقیق واکنش زنان در برابر همسرآزاری بیشترین «تحمل» و «قهر» به ترتیب با ۵۰ و ۴۳ درصد و کمترین واکنش‌ها شامل مراجعه به مراکز مشاوره و مراجع قانونی به ترتیب با ۵/۲ و ۹/۶ درصد از موارد است (۹).

۲-۲-۲. آزاررساندن زن نسبت به شوهر: برخی از خشونت‌های زنان، به شوهر، آسیب روحی و روانی می‌رساند. این نوع آزرده‌گی، معمولاً از شیوع بیشتری برخوردار بوده و اثرات مخرب غیر مستقیمی بر جای می‌گذارد. جلوه‌های متعدد این نوع آزار عبارتست از:

۲-۲-۲-۱. تخریب آبرو و حیثیت شوهر: بعضی از زنان به جای حفظ منزلت شوهر، احترام و تکریم او، کردار، گفتار، اوصاف و یا خلقت وی را به واسطه ایماء، اشاره، کنایه و یا ابراز قول و یا فعل تمسخر می‌کنند که نتیجه آن، مخدوش شدن جایگاه و شخصیت شوهر در نزد دیگران است (۱۰).

۲-۲-۲-۲. از بین بردن حرمت پدر در نزد فرزندان: یکی از مصادیق آزار روانی مرد در میان خانواده، از میان بردن احترام و حرمت نقش پدری است. رفتارهای پرخاشگرانه و اهانت‌آمیز از طرف زن در نزد فرزندان، ابهت و اقتدار پدر را در بین افراد خانواده مخدوش می‌نماید و با شکستن شخصیت و غرور وی، عزت نفس وی را از بین می‌برد، حال آنکه،

جراید و امثال آن حکم کند. اجبار زن به پیشقدم‌شدن در ازدواج و پیشنهاد ازدواج از طرف وی، اجبار به انجام جراحی‌های غیر ضروری زیبایی از سمت هر یک از طرفین، آزار زبانی، متلک‌پرانی، سخنان رکیک، فحش و ناسزا، بدبینی، اهانت کلامی، فریادی که باعث استرس شود، تحقیر، تمسخر، تهدید، بی‌اعتنایی، خشونت مربوط به تهیه جهیزیه، شک به همسر، عدم وفاداری طرفین به یکدیگر، آزار تصویری، هرزه‌نگاری، اجبار به تماشای تصاویر، فیلم و یا شنیدن هرگونه صدایی که بار جنسی داشته باشد و ایجاد نقص جسمانی، حبس در خانه، حضورنداشتن در خانه، ترک خانه و زندگی، خودداری از نزدیکی، چندهمسری، مجبورکردن همسر به روسپی‌گری، استثمار جنسی، اجبار به سقط جنین، اجبار به زندگی مشترک در صورت ناتوانی جنسی، اجبار به زندگی مشترک در صورت بیماری‌های دیگر مانند جذام یا عقیم‌بودن، بی‌توجهی به ارضای زنان از سوی همسر، حاملگی اجباری، قهر و کم‌محلی، نداشتن اجازه خروج از منزل، ممانعت از اشتغال، ضرب و شتم کودکان، اخراج از منزل، عدم همکاری در پیشگیری از حاملگی، عدم رعایت بهداشت جسمی به هنگام نزدیکی، عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بیماری‌های واگیر در رابطه زناشویی. اجبار به تمکین در ایام قاعدگی یا بیماری، انواع لذتجویی بدون رضایت همسر مانند دخول دهانی، مقعدی، تجاوز زناشویی که با انجام اعمال جنسی شوهر، علیرغم رضایت یا تمایل زن گفته می‌شود (۶)، در زمره همسرآزاری معنوی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، تجاوز زناشویی، مجبورکردن برای تماس جنسی بدون توافق کامل زن است که از روی قصد و نیت جهت تهدید سوءاستفاده و صدمه جنسی انجام می‌شود (۷). لازم به ذکر است که تجاوز جنسی اکثراً نتیجه میل جنسی لبریز شونده نیست، بلکه نتیجه پیوندهایی میان تمایل جنسی و احساس قدرت و برتری است که در آن حق خود مختاری قربانی از او سلب می‌شود، در حالی که هنوز برخی از کشورها، از جمله ایران تجاوز زناشویی از طرف شوهر را در قوانین خود جرم‌انگاری نکرده‌اند، در برخی کشورها معیار جدیدی مطرح شد که بر اساس آن سکوت و انفعال زن، رضایت محسوب نمی‌شود. طبق قانون

ارتباط با آن‌ها تمایلی نداشته باشد و از انجام هر کمکی از جانب شوهر نسبت به آنان ممانعت کند، ممکن است که از این طریق، شوهر دچار ناملايمات روحی و روانی زیادی گردد، زیرا با این رفتار، وی درمی‌یابد که دوستی و علاقه همسرش، صادقانه نیست.

۲-۲-۲-۶. مقایسه نامناسب شوهر با دیگر مردان: بعضی از زنان، به طور مداوم، شوهر خود را با مردان دیگر، از همکاران، بستگان و یا دوستان مقایسه می‌کنند و در نتیجه، صرفاً جوانب منفی شوهر خویش را برجسته می‌کنند و به دنبال آن، خود نیز احساس محرومیت و کمبود در زندگی پیدا می‌کنند. در این شرایط، فرصت‌های نابرابر و تفاوت‌های فردی افراد، مورد نظر قرار نمی‌گیرد و با ادامه این روش، زن به تدریج، زبان به اعتراض و شکایت گشوده و وجوه امتیاز دیگران را به شوهر عرضه می‌کنند و با کردار و گفتار خود، موجب آزار و اذیت شوهر می‌گردند (۱۱).

۲-۲-۲-۷. بزرگ‌نمایی جزئیات زندگی: از جمله مواردی که لازم است هر یک از زن و شوهر برای استحکام نظام خانواده، به آن توجه کنند، چشم‌پوشی از جزئیاتی است که در زندگی مشترک ایجاد می‌شود. زنانی که در قبال این جزئیات، حساسیت نشان داده و آن‌ها را مهم و بزرگ جلوه می‌دهند، نمی‌توانند برای برطرف کردن آن‌ها، شیوه مناسبی را اعمال کنند، لذا احساس فشار و ناراحتی حاصل از آن، منجر به سلب شادابی و آرامش زن شده و بر بهداشت روانی و سلامت او تأثیر می‌گذارد؛ در شرایط یادشده، زن نمی‌تواند با همسر خویش، برخورد مناسبی داشته باشد و رضایتمندی او را به دست آورد.

۲-۲-۲-۸. سوءظن و بدبینی: سوءظن و بدبینی که نقطه مقابل اعتماد و حسن ظن است، از دیگر اختلالات روانی محسوب می‌شود. فرد مبتلا به این حالت از بیماری، فاعل یک رفتار و یا صاحب یک فکر را بی‌دلیل، به اغراض سوء، متهم می‌کند. زنان مبتلا به این بیماری، اعتمادی به شوهر خود ندارند و حتی از رفتارهای محبت‌آمیز و دلسوزانه وی، احساس

توصیه‌های مؤکد دینی در راستای حفظ استحکام بنیان خانواده، مبتنی بر نظارت پدر در خانواده و تقویت توانمندی می‌باشد.

۲-۲-۳. انتساب صفات ناشایست و فحاشی: گاهی بعضی از زنان، آزار و اذیت را به مرحله بالاتری می‌رسانند و به جای عبارات احترام‌آمیز، از فحاشی، انتساب صفات منفی و پاره‌ای الفاظ ناشایست استفاده می‌کنند (۱۰). تکرار این رفتار، سبب می‌شود که شوهر به تدریج باور کند که در نزد همسرش، دارای چنین شخصیتی است، لذا واکنشی متناسب با این رفتار، انجام می‌دهد.

۲-۲-۴. عدم توجه به انتظارات و خواست شوهر: صمیمیت و محبت در کانون خانواده، با توجه و شناخت انتظارات و خواسته‌های همسر و حتی‌الامکان با تأمین آن‌ها حاصل می‌شود. گاهی بعضی از زنان، علیرغم شناخت حساسیت شوهر، دقیقاً همان کاری را مرتکب می‌شوند که موجبات اذیت و آزار و رنجش خاطر او را فراهم می‌کند (۱۱).

۲-۲-۵. قائل‌شدن زن به تبعیض بین خویشاوندان خود و شوهر: چنانچه ازدواج عامل یگانگی و وحدت زوجین باشد، در این صورت، هر آنچه که مورد احترام و علاقه یکی از آنان است، بایستی مورد احترام و علاقه دیگری هم باشد. همانطوری که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «أصدقاؤک ثلاثة و اعداؤک ثلاثة؛ فاصدقاؤک: صدیق و صدیق صدیق و عدو و عدو اعداؤک و اعداؤک و عدو صدیق و صدیق عدو؛ دوستان تو سه گروه هستند و دشمنان تو هم سه دسته می‌باشند، اما دوستانت، دوست تو و دوست دوست تو و دشمن دشمن تو است و دشمنانت، دشمن تو و دشمن دوست تو و دوست دشمن تو است» (۱۲). بر این اساس، بستگان و خویشان هر یک، که احترام و ارزش والایی در نزد او دارد، بایستی به همان نسبت برای دیگری نیز دارای ارزش باشد. در غیر این صورت، چنانچه زنی برای خویشاوند خود، قائل به جایگاه ویژه‌ای شود و آن‌ها را بالاتر و برتر از خویشاوندان همسر خود برشمرد و با آن‌ها بیشتر معاشرت داشته باشد و در مقابل، خویشاوند همسر را به نوعی بیگانه تلقی کند و به

رضایت ندارند و این نارضایتی را در رفتار و گفتار خود بروز می‌دهند (۱۱).

۲-۲-۹. نابودی و تخریب اموال شوهر: گاهی زن، با قصد و نیت انجام کار خیر، بدون رضایت و کسب مشورت از شوهر، اموال او را به اشخاص محروم و نیازمند می‌بخشد. در مواردی دیگر، زن بدون کسب اجازه و اطلاع شوهر، برخی از اموالش را به خودش اختصاص می‌دهد. از دیگر آزارهای اقتصادی زنان، می‌توان به اسراف اشاره نمود، به این صورت که زن، در مصرف اموال مربوط به همسر، خارج از حد اعتدال عمل کند. چنانکه اسراف به معنی خروج از حد معمول در هر کاری تعریف شده است و منظور از حد، حد وسط میان زیاده‌روی و سخت‌گیری است (۱۳). در این موارد، معیار تشخیص، عرف است که استفاده از مال را بنا به احتیاج شخص و متناسب حال او می‌داند. برخی از مصادیق اسراف عبارتند از:

۲-۲-۱۰. محرومیت جنسی: ارضای نیاز جنسی شوهر، یکی از وظایف اصلی زن است، چون با تأمین این نیاز، به عنوان یکی از کارکردهای اصلی خانواده، از آلودگی‌های جنسی و اخلاقی افراد جامعه پیشگیری می‌شود. در مواردی، کوتاهی زن از انجام این وظیفه، می‌تواند زمینه‌ساز مواجهه مرد با دیگر زنان و تحریک غریزی او گردد و یا اینکه مرد، در اثر خودداری و مقاومت از ارضای نامشروع، با ناملایمات روحی و روانی مواجه شود، به ویژه اگر چنین حالتی در زمان ابتدایی ازدواج رخ دهد که البته چون در این زمان، مرد به برقراری ارتباط جنسی، تمایل بیشتری دارد، لذا به تبع، اثرات تخریبی محرومیت جنسی، به شکلی وسیع‌تر محقق خواهد شد؛ در این رابطه، اشاره به یک دیدگاه روان‌شناسی، خالی از لطف نیست، طبق این عقیده، خصوصیت جنسی مرد، خصوصاً در سال‌های نخستین زندگی مشترک که به تمتع جنسی، اشتیاق قوی‌تری دارد را بایستی به زن آموخت و ممانعت زن از مقاربت، صرفاً در مواردی که علل معینی، اعم از ناخوشی، بارداری و قاعدگی، در بین باشد، مناسب است (۱۴). از همین رو، مسأله تمکین زن از شوهر، در زمان نیاز مرد، در اسلام، از جمله حقوق شوهر به شمار رفته است، اما چنانچه مرد، رضایتمندی زن را در آمیزش جنسی نادیده بگیرد و توجهی به به شرایط روحی، روانی و جسمی او نداشته باشد و یا زمینه ارضای جنسی زن را فراهم نکند و تنها ارضای جنسی خود را مد نظر قرار دهد، در این صورت، زن احساسی ابرازگونه دارد و در ارضای جنسی خود، اغلب ناکام می‌ماند و رفتار مرد را بر نوعی خودخواهی حمل می‌کند، در نتیجه علاقه و عشق زن به شوهر کم شده و شرایط ایجاد تنش، درگیری و رفتار آزاردهنده برای زن ایجاد می‌گردد.

۲-۲-۱۱. بی‌میلی جنسی: در مواردی، هرچند که زن، از مقاربت جنسی با همسر، استنکاف نمی‌ورزد و به ظاهر مخالفتی ندارد، ولی با بی‌میلی و سردی تمام، این عمل را

مصرف بیش از حد و خارج از شأن: در این شرایط، مال برای چیزی که دارای فایده است مصرف می‌شود، ولی مصرف متناسب با شأن و حال آن فرد نیست.

تضییع: به معنی خراب‌کردن و ضایع‌نمودن مال، مانند دورریختن پوشاک، مواد خوراکی و... .

مصرف آنچه که نیازی به آن نمی‌باشد: یعنی فرد، اموالش را در راهی صرف کند که نیازی به آن ندارد، اما مناسب با حال او است، مانند کسی که ماشینی خریداری می‌کند، حال آنکه یک ماشین برای رفع نیاز دارد.

تبذیر (پراکنده‌کردن): یعنی مصرف‌نمودن مال، بدون فایده و جهت. به عبارت دیگر، تبذیر، به قسمی از اسراف اطلاق می‌شود که با اتلاف مال همراه باشد و هیچ‌گونه هدف عقلانی نداشته باشد، در این صورت با مصداق یافتن تبذیر، اسراف نیز صدق خواهد نمود. از این رو بعضی از صاحب‌نظران، تبذیر را به همان معنای اسراف تلقی کرده‌اند (۱۱). می‌توان گفت که در چنین آزارهایی، زن با مصرف بی‌اندازه، سبب عدم رضایت شوهر می‌شود و حتی ممکن است که وی را، از نظر مالی در فشار اقتصادی واقع سازد، به گونه‌ای که شوهر مجبور شود که

انجام می‌دهد که چنین حالتی، منجر به پایین‌آمدن میزان اطفای شهوت مرد و احساس محرومیت او می‌شود. از این رو بعضی از روان‌شناسان بر این نظرند، زنانی که ظاهراً به امیال شوهرشان پاسخ می‌دهند و خود لذتی نمی‌برند و تصور می‌کنند که به این شکل، به او خدمت می‌کنند، عقیده اشتباه و غلطی دارند، زیرا بی‌میلی و سردی جنسی زن، می‌تواند به سردی همسرش منجر شود، به طوری که شوهر، نسبت به واقعی بودن احساس زن، تردید پیدا کند (۱۱). شاید گفته شود که آزار روحی و روانی یادشده که از جانب زن نسبت به مرد صورت می‌پذیرد، اختصاص به زن نداشته و از جهت مرد نسبت به زن نیز می‌تواند صادق باشد؛ در پاسخ گفته می‌شود که هرچند صدور این قبیل رفتارها از جانب مرد نیز متصور است، اما غالباً این رفتارها از جانب زن صادر می‌گردد.

۳. نقش اختلاف عقیده زوجین در تحقق آزار روانی: طبعاً زن و شوهر زمانی که به لحاظ اعتقادی دارای افکاری شبیه به هم باشند این مسأله محرز است که از این حیث نسبت به هر یک از زوجین آزاری محقق نخواهد شد، اما زمانی که عقیده مخالف داشته باشند، تحقق آزار دور از ذهن نیست، چه بسا مراجعه به پرونده‌های قضایی دادگاه خانواده مؤیدی بر این مسأله می‌باشد. بدیهی است که آثار اختلاف عقیده در زوجین محصور نشده و به فرزندان نیز سرایت می‌کند، چه اینکه غالباً فرزندان به لحاظ اعتقادی و مسائلی از این قبیل، پدر و مادر را به عنوان الگوی خود انتخاب می‌کنند، حال در فرضی که هر یک از پدر و مادر یک عقیده داشته باشند، اینکه فرزندان عقیده کدام یک را ترجیح دهند، خود زمینه‌ساز مخاطرات جدی خواهد بود. شدت بحران در جایی است که هر یک از پدر و مادر تلاش کنند که عقیده خود را به فرزندان تحمیل کنند. طبق مطالب یادشده، اختلاف عقیده با توجه به آثاری که دارد، می‌تواند به عنوان مصادیقی از آزار معنوی موضوعیت پیدا کند.

۴. نقش مطالبه مهریه در تحقق آزار روانی: فلسفه وجودی مهر ریشه تاریخی (۱۵) و باستانی (۱۶) دارد و دورانی را طی نموده تا به صورت امروزی درآمده است. درخواست زن

۵. مبانی ممنوعیت همسرآزاری روحی و روانی: ادله‌ای که در ذیل خواهد آمد، ممنوعیت هرگونه رفتاری را که ذیل عنوان همسرآزاری واقع شود را شامل می‌شود. بنابراین موضوع مورد بحث این نوشتار، یعنی آنجایی که همسرآزاری در نتیجه زوجیت ناخواسته تحقق یابد را نیز دربر می‌گیرد. مهم‌ترین این ادله بدین شرح است:

۱-۵. آیات

۱-۵. آیه ۶ سوره طلاق: خداوند متعال می‌فرماید: «سَكُونَهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْنَهُنَّ...» (زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده‌اند) آن‌ها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج درافکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند)» (۱۸). آیه شریفه مزبور، بر عهده مرد قرار داده است که پس از طلاق، در

آیه در بخش دوم، مردان را از هرگونه منع و حبس زن، با قصد اضرار، مورد نهی قرار داده و دریافت کردن بخشی از مهریه را مصادق قصد اضرار، عنوان کرده است (۱۹). در بخش دیگر آیه نیز با عبارت «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به رعایت انصاف با همسر دستور داده است. علاوه بر اینکه همسر آزاری روحی و روانی، در نقطه مقابل رعایت انصاف قرار دارد و مفهوم مخالف این بخش از آیه بیانگر منع از آن است، می‌توان گفت که هر چند آیه مذکور به مصادیقی از اضرار همسر پرداخته، اما به نوعی بیانگر حکم کلی عدم اضرار به همسر می‌باشد، کما اینکه این مسأله قابل انکار نیست که هرگونه اضراری، طبیعتاً توأم با آزار روحی و روانی نیز می‌باشد. بنابراین اگر گفته شود که آیه به دلالت التزامی در مقام منع از هرگونه آزار روحی و روانی است، ادعای بدون دلیلی نمی‌باشد، بلکه بالاتر از این، هر چند که مصادیق یادشده، ناظر به اضرار زن از سوی شوهر می‌باشد، اما حکم کلی ممنوعیت اضرار و عدم ورود آزار روحی و معنوی را می‌رساند، خواه اضرار زن از سوی شوهر باشد و یا بالعکس.

۵-۲. قواعد فقهی: قاعده نفی عسر و حرج: در تعریف عسر و حرج درباره زن در زندگی خانوادگی در تبصره الحاقی به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی آمده است: «عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوج با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد» و سپس بیان می‌کند که موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد. تعریف عسر و حرج در صدر ماده قابل ایراد است، زیرا منقول است که برخی از فقها، هر مشقتی را عسر و حرج به شمار نمی‌آورند، چه مطلق مشقت در بسیاری از تکالیف وجود دارد و در زندگی خانوادگی هم چه بسا نوعی مشقت برای زن دیده می‌شود که نمی‌توان آن را از موجبات طلاق دانست، پس عسر و حرج عبارت از مشقت شدید یا فاحش است که عمدتاً قابل تحمل نیست. همین معنی از بندهای ۲، ۴ و ۵ تبصره الحاقی نیز قابل استنباط است، هر چند که در صدر ماده از ذکر آن غفلت شده است. موارد مذکور در تبصره الحاقی، اماره قانونی عسر و حرج است که با احراز یکی از آن‌ها

دوران عده، برای زن، مسکنی قرار بدهد. تعیین کیفیت و چگونگی مسکن، بستگی به وضع مرد و توانایی او دارد، بدین معنی که مرد، در این جهت، دارای حقوق و اختیاراتی است، ولی نباید از این اختیار، به قصد در مضیقه قرار دادن زن و اضرار به او استفاده کند، نظیر اینکه مسکن بسیار کوچک یا مسکن پر سر و صدا و یا محل نامناسبی را در اختیار او قرار دهد. با توجه به دیگر آیات قرآن، ممکن است که هدف مرد از تضییق و اضرار، گذشت زن از مهریه و مانند این باشد که در هر حال، چنین اقدام و قصدی ممنوع است. همچنین با امعان نظر به عموم تضییق و اضرار در آیه، صرف نظر از بخش اول آیه در مورد مسکن، احتمال دارد که در تنگنا قرار دادن و اضرار، به طور کلی، مورد نهی واقع شده باشد. استدلال به آیه شریفه مبین این مطلب است که آزار رساندن به همسر، حتی در مرحله بعد از طلاق و در زمان عده جایز نیست. بنابراین به طریق اولی آنجایی که هر یک از زوجین و یا هر دوی آن‌ها تن به ازدواج ناخواسته می‌دهند، اعمال هرگونه رفتار توأم با آزار و اذیت روحی و روانی در دوران زندگی مشترک را مورد نهی قرار می‌دهد.

۵-۱-۲. آیه ۱۹ سوره نساء: در این آیه شریفه که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (۱۸)؛ دو مصادیق از اضرار بیان گردیده است. در قسمت اول، خداوند متعال، مردان را از ارتبری به شیوه اکراهی منع کرده است، مثال این مطلب جایی است که مرد با وجود بی‌میلی که به زن دارد، از طلاق او ممانعت کرده و حقوقش را ادا نمی‌کند، به این امید که زن فوت کند و اموالش به او برسد.

دادگاه باید حکم طلاق به درخواست زن صادر کند، لیکن خلاف آن قابل اثبات است، یعنی ممکن است شوهر ثابت کند که به رغم وجود یکی از موارد یادشده، ادامه زندگی برای زن مشقت بار و غیر قابل تحمل نیست. احراز عسر و حرج توسط دادگاه صورت می‌گیرد و مطابق قاعده «البینه علی المدعی» زن باید در جهت اثبات آن اقامه دلیل نماید، تفکیک ظریفی در این باب لازم است و آن اینکه آوردن دلیل بر زن است و احراز عسر و حرج بر عهده دادگاه قرار می‌گیرد، پس زوجه لازم نیست حالت عسر و حرج خویش را به دادگاه بنمایاند، بلکه کافی است دلایلی را که به ادعای وی موجب بروز عسر و حرج شده است، در محضر دادگاه اثبات کند و پس از اثبات این علق، از جمله ترک انفاق، سوء معاشرت غیر قابل تحمل زوج و...، دادگاه با توجه به وضعیت و شخصیت زن و دید عرف به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا چنین عواملی به طور معمول و عادتاً موجب عسر و حرج زنی با این وضعیت و شخصیت می‌شود یا خیر؟ (۲۰). امام خمینی در باب عسر و حرج زوجه و اینکه آیا در مورد زوج غایب می‌توان قبل از گذشت مدت چهار سال به واسطه عدم اتفاق به زوجه توسط زوج یا دیگری حکم به طلاق زوجه را صادر نمود چنین می‌گوید: «در صورتی که زوجه برای نداشتن شوهر در حرج باشد، نه از جهت نفقه، به طوری که در صبرکردن معرضیت فساد است، حاکم پس از یأس قبل از مضمی مدت چهار سال می‌تواند طلاق دهد، بلکه اگر در مدت مذکور نیز در معرض فساد است و رجوع به حاکم نکرده است جواز طلاق برای حاکم بعید نیست در صورت یأس» (۲۱). همچنانکه ملاحظه می‌گردد، امام خمینی به علت اهمیت مفسده ایجاد و جنبه عمومی آن، برای حاکم حق می‌داند که حتی بدون درخواست زوجه نسبت به طلاق وی اقدام نماید (۲۲). مطابق قاعده یادشده، هرگونه ورود سختی بر هر یک از زوجین منهی‌عنه است و با توجه به اینکه صدور آزار روحی و روانی از سمت هر یک از زن و شوهر نسبت به دیگری، مصداق بارز ایجاد مشقت و سختی است، لذا جایز نبوده و مورد نهی می‌باشد.

۵-۳. قاعده معاشرت به معروف: اصل معاشرت به معروف که در ضمن آیه ۱۹ سوره نساء که می‌فرماید: «وَ غَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و در زندگانی به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید»، بدان تصریح شده، یکی از اصول اساسی حاکم بر روابط همسران است. چنین اصلی در روابط همسران یک اصل اخلاقی است که به دلیل قرابت اخلاق و حقوق در زمره مبانی و قواعد حقوقی حاکم بر روابط همسران نیز در آمده است و در راستای اهتمام بر سلامت اخلاقی خانواده و حفظ آن نظام توسط ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، حاکمیت همه‌جانبه اخلاق را در روابط همسررداری ترسیم می‌نماید. با این بینش، دیدگاه الهی مقتضی آن است که احکام و حقوق مربوط به روابط همسران همواره باید بر پایه چنین اصلی از پویایی اخلاقی بهره‌مند باشند (۲۳). قانونگذار ضمن ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی به این مسأله تصریح نموده و بیان می‌دارد که «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». روشن است که با استناد به قاعده مورد بحث، حتی اگر زوجیت ناخواسته باشد، باز این مجوز وجود ندارد که طرفین یا هر یک از آنان، رفتار نامناسب را ابزاری برای اعمال ناخشنودی خود قرار دهند و به لحاظ روحی و روانی، موجبات ناراحتی یکدیگر را فراهم آورند، چه اینکه حتی در شرایطی که زوجیت ناخواسته است، باز معاشرت به معروف و به طور شایسته مورد تأکید است، چه بسا ممکن است که در قالب سوءاستفاده از حق متبلور شود (۱۹) یا در جریان نزاع‌های موجود بین زوجین، هر یک از آنان مرتکب اهانت، افترا و نشر اکاذیب شود که در تمامی این حالات حسب مورد قابل مجازات است. لازم به ذکر است که تحقق جرم افترا، در صورتی است که عنوان مجرمانه‌ای به شخص منتسب شود، در صورتی که موضوع انتسابی از جرائم مقرر در قانون نباشد، می‌تواند به عنوان توهین قابل پیگیری باشد. در هر صورت جرائم مذکور، از جمله جرائمی است که با توجه به وهن‌آوردن کردار، گفتار یا نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف مقابل لطمه وارد سازد، قابل تعقیب کیفری است. توضیح اینکه توهین به همسر شامل به کاربردن کلمات رکیکی است که متضمن لفظی باشد که در عرف از آن به

صورتی که نزدیکی نباشند، خود دادگاه، محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد. افزون بر آن، به موجب ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی، هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. تردیدی نیست که همسر آزار روحی و روانی به هر شکلی که محقق گردد، با نوعی اضرار همراه است که این اضرار به استناد قاعده مورد بحث جایز نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

همسرگزینی و یا زوجیت ناخواسته زمانی رخ می‌دهد که هر یک از زوجین، خارج از حیطه علاقمندی و متأثر از شرایطی خاص، اعم از اقتصادی و... به ازدواج تن دهد، بدیهی است که این عارضه، با پیامدهای جدی همراه می‌باشد، چه اینکه هر یک از زوجین که تمایل به این ازدواج نداشته باشد، غالباً رفتاری را اعمال می‌کند که عدم نارضایتی خود را به طرف مقابل ابراز کرده و به نوعی این شیوه رفتاری را راهی برای آرامش درونی خود می‌بیند، آزار روحی و روانی مهم‌ترین شکل بروز نارضایتی حاصل از چنین ازدواجی می‌باشد، بدهتاً وقتی که قرآن در آیه ۶ سوره طلاق، سختی گرفتن در نفقه و سکنی را حتی در زمان عده که زوجیت قطع شده، به دلیل آزار و زیان‌رسانیدن به زن، جایز ندانسته، به طریق اولی دانسته می‌شود که مطلق آزار، اعم از آزردن روحی و روانی همسر در زمان زوجیت ممنوع می‌باشد، از طرفی می‌توان اطلاق آیه را در نظر گرفت و این ممنوعیت را نه تنها مختص آزار مرد علیه زن، بلکه در خصوص آزار زن علیه مرد نیز تعمیم داد، همین مفهوم، از آیه ۱۹ سوره نساء نیز قابل فهم است، زیرا هرچند که مصادیق یادشده در آیه، ناظر به اضرار مرد علیه زن می‌باشد، اما با بیان حکم کلی ممنوعیت اضرار، عدم ورود آزار روحی و روانی را نیز شامل می‌شود، خواه این آزار، از سوی شوهر علیه زن باشد و یا بالعکس. علاوه بر ادله یادشده، ممنوعیت آزار روحی و روانی ناشی از زوجیت ناخواسته به قواعدی اعم از قاعده نفی عسر و حرج، معاشرت به معروف و

فحاشی یاد می‌شود و هنگام ارتکاب آن‌ها هیچ تفاوتی با توهین و افترا نسبت به افراد دیگر وجود ندارد. بنابراین در صورت ارتکاب جرم توسط هر یک از زوجین و اثبات آن‌ها بر اساس قانون مجازات اسلامی، حبس از یک ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها در انتظار مجرم است، اما مجازات نشر اکاذیب در ماده ۶۹۸ قانون مذکور علاوه بر اعاده حیثیت تحمل حبس از دو ماه تا دو سال و شلاق تا ۷۴ ضربه تعیین شده که از مجازات توهین و افتراء شدیدتر است. در نهایت اینکه حسب ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن شود و نه اثری از خود در بدن بر جای بگذارد، ضمان منتفی است، لیکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. با لحاظ مطالب یادشده، چه بسا در شرایطی که امکان جدایی زوجین وجود ندارد، رفتار شایسته و مناسب بتواند راهی برای ایجاد محبت و انس طرف مقابل باشد، کما اینکه در این صورت، ایجاد علقه و مرتفع شدن ناملایمات، امری دور از ذهن نیست.

۴-۵. **قاعده لاضرر:** بدیهی است که همسرآزاری می‌تواند مصادیقی بارز از ضرررساندن باشد که مستند به مفاد قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» ممنوع و منهی‌عنه می‌باشد. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی بیانگر همین مطلب بوده و تصریح دارد بر اینکه اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی و یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود (۲۴). ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی نیز بی‌ارتباط با بحث نبوده و جهت دفع ضرر از زن، گویای آن است که در مورد منزل جداگانه برای زن، مادامی که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته، محل سکون زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی دادگاه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین، منزل زن را معین خواهد کرد و در

لاضرر نیز مستند می‌گردد؛ از این جهت که آزار روحی و روانی هر یک از زوجین نسبت به دیگری، مصادیقی از عسر و حرج و ضرر بوده و در مخالفت با معاشرت به معروف قرار دارد.

مشارکت نویسندگان

زینب فدایی: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.
فخرالله ملائی کندلوس و پرویز ذکائیان: ارائه ایده و موضوع، معرفی منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Molaverdi SH. Autopsy of violence against women. Tehran: Daneshnegar Publications; 2016. [Persian]
2. Ezazi SH. Society Structure and Violence against Women. Social Welfare Magazine. 2005; 4(14): 47-84. [Persian]
3. Mohammadkhani P, Azadmehr H. Psychopathology and personal-communication problems of women victims of family violence. Social Welfare Quarterly. 2008; 7(27): 9-28. [Persian]
4. Ahmadi B, Ali mohammadian M, Golestan B, Bagheri Yazdi A, Shojaeizadeh D. The effect of family violence on the mental health of married women in Tehran. Journal of Health School and Health Research Institute. 2006; 4(2): 35-44. [Persian]
5. Farjad MH. Social Pathology of Family Conflicts and Divorce. Tehran: Mansouri Publications; 1993. [Persian]
6. Dasgupta SHD. Body evidence: Intimate violence against South Asian women in America. Translated by Javadi B. Tehran: Sociologists Publications; 2010. [Persian]
7. Mohebi SF. Violence against women. Quarterly Magazine of the Women's Social Cultural Council. 2002; 14: 6-19. [Persian]
8. Noorbakhsh SM. Gender-based abuse in the family in a famous fatwa. Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Journal. 2021; 54(1): 221-240. [Persian]
9. Mazaheri M, Mohajeri M. Reading out Indemnification of Spiritual Perdition's Juridical Bases with Approach of Spousal's Spiritual Rights. Islamic Law & Jurisprudence Research. 2014; 10(34): 129-152. [Persian]
10. Naraghi A. Meraj al-Saada. Qom: Hijrat Publications; 1992. [Persian]
11. Ghasemi Roshan E. Wife Abuse. Women's Strategic Studies. 2003; 20. [Persian]
12. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar al-Ehya al-Trath al-Arabi, al-Wafa Institute; 1982. [Arabic]
13. Department and University Cooperation Office. An Introduction to Islamic Economy. Tehran: Samt Publications; 1993.
14. Khod Ekoff N. What Young Wives Should Know. Translated by Mimta B. Tehran: Atai Press Institute; 1973. [Persian]
15. Amir Mohammadi MR. Civil rights - family financial system. Tehran: Mizan Publications; 2009. [Persian]
16. Ismaili M. Dowry philosophy from the point of view of jurisprudence and law. Tehran: Jihad University Publishing Organization; 2010. [Persian]
17. Motahari M. The system of women's rights in Islam. Tehran: Sadra Publications; 2010. [Persian]
18. The Holy Quran. Talagh: 6; Nesa: 19.
19. Rahpeyk S. Prevention of the Abuse of Rights in the legal Theories and Qur'anic Concepts. Journal of Fiqh and Usul. 2004; 35(4): 63-76. [Persian]
20. Asadi LS. The position of difficulty and difficulty in law and procedure (1). Neday Sadegh Quarterly. 2004; 34-35: 9-29. [Persian]
21. Mousavi Khomeini R. Esftataat. Qom: Qom Seminary Teachers Society, Islamic Publication Office; 1993. [Persian]
22. Karimi H. Judicial standards from the perspective of Imam Khomeini (RA). 1st ed. Qom: Shakur Publications; 1986. [Persian]
23. Gurban Nia N, Hafizi M. 2018, Examining the principle of socializing between spouses from the perspective of the Holy Quran. Shia Women's Scientific and Promotional Quarterly. 2018; 6(20): 97-118. [Persian]
24. Hosseinzadeh Z. A comparative study of the guarantee of legal enforcement of spousal abuse in Iranian law with other legal systems. Master's Thesis. Shahrood: Shahrood University; 2013. [Persian]